

نخوانش گفتمان علمی در دوره سکوفایی تمدن اسلامی (با تأکید بر مقایسه روش شناسی ابن سینا و ابوریحان بیرونی)

محمد بیدهندی^۱، علیرضا آقا حسینی^۲، مسعود مطهری نسب^۳

چکیده

نخوانش گفتمان علمی و روش شناسی حاکم بر تمدن اسلامی در دوره‌های گذشته بویژه در قرون سوم و چهارم هجری و تبیین و تحلیل آن می‌تواند نقش بسزایی در ایجاد تمدن نوین اسلامی داشته باشد. هدف نوشتار حاضر تبیین و تحلیل روش شناسی علمی ابن سینا و ابوریحان بیرونی جهت ترسیم گفتمان علمی و روشی آن دوره تمدنی است. مقایسه تطبیقی روش شناسی این دو اندیشمند نشان می‌دهد که ابن سینا به تأسی از منطق ارسطویی، سهم بیشتری برای قیاس نسبت به استقراء قائل است، ولی ابوریحان بیشتر متمایل به روشهای تجربی و استقرائی است و فعالیت‌های میدانی و حرفه‌یی بیشتری انجام

۴۵

۱. دانشیار گروه فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه اصفهان؛ bidhendimohammad@yahoo.com

۲. دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان؛ alireza.aghahosseini@gmail.com

۳. دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول)؛ motahari1200@gmail.com

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۲/۲۲ تاریخ تأیید: ۹۵/۳/۸



داده و حتی ابن‌سینا را بجهت تأکید بیش از حد بر روش تعقلی مورد انتقاد قرار میدهد. تفاوت دیگر این دو حکیم در آن است که بیرونی بر مبنای یک ساختار فکری از پیش تعیین‌شده نمی‌اندیشد، اما ابن‌سینا در ابتدا تا حدی مدافع ساختار تفکر ارسطویی بوده است؛ اگر چه در نهایت در *اشارات* و *تنبیهات* و حکمت مشرقی از ارسطو فاصله میگیرد. تفاوت دیگر این است که در مورد ابن‌سینا گفته میشود وی قائل به این بوده که هر چه را شنیدی در محل امکان بگذار ولی در مورد بیرونی گفته میشود که وی معتقد بوده هر چه را شنیدی در بوته انکار بگذار تا مگر خلاف آن با دلیل و برهان ثابت گردد (که این قضاوت مورد نقد قرار گرفته است).

کلیدواژه‌ها: روش‌شناسی، تجربه‌گرایی، عقلانیت، گفتمان علمی

* * *

مقدمه

هر تمدنی دارای یک گفتمان علمی خاص است و هر گفتمان علمی^۱ دارای یک دستگاه روش‌شناسی مختص به خود است، از اینرو یکی از راهکارهای تحقق تمدن اسلامی، بازشناسی گفتمان علمی و روش‌شناختی حاکم بر تمدن اسلامی در دوره‌های گذشته و تبیین و تحلیل روش‌شناسی دانشمندان و فیلسوفان آن دوران است. تا از این طریق گفتمانهای علمی بومی باز تولید گردد. این نکته را باید تأکید نمود که در نوشتار حاضر مراد از روش‌شناسی بیشتر جنبه علمی آن است و بصورت اختصاصی تأکید آن بر عقلانیت و تجربه مییابد و طرح جامع روشهای عرفانی، فلسفی و الهیاتی بصورت عام مبنای پژوهش در این نوشتار قرار نگرفته است. اگر تمدن را در اصطلاح به مجموعه پیچیده‌یی از پدیده‌های اجتماعی قابل انتقال حاوی جهات مذهبی، اخلاقی، زیبایی‌شناختی، فنی و یا علمی و مشترک در همه اعضای یک جامعه وسیع و یا چندین جامعه مرتبط با یکدیگر است، اطلاق نمایم. دوره تمدنی مورد پژوهش در این مقاله قرن چهارم و اوایل قرن پنجم هجری است که دوران پس از نوزایی محسوب گردیده و عصر شکوفایی تمدن اسلامی است. عصر نوزایی تمدن اسلامی را اواخر قرن سوم و اوایل قرن چهارم

۴۶

1. Scientific discourse